

بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن با رضایت‌مندی زناشویی در زنان متأهل دانشگاه آزاد شیراز

مأده زادسر* | دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی در زنان متأهل بود. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و هم‌بستگی بوده است. جامعه آماری زنان متأهل بین ۲۰ تا ۵۰ سال دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد شیراز بودند، که به صورت نمونه‌گیری در دسترس ۱۶۰ نفر از افراد این جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند. و جهت جمع‌آوری داده‌ها از دو ابزار: ۱- پرسش‌نامه سبک‌های دل‌بستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، ۲- پرسش‌نامه رضایت زناشویی DAS استفاده شده است. تجزیه و تحلیل یافته‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS در سطح توصیفی و تحلیل زمینه‌های پژوهش صورت گرفت و در سطح توصیفی از مشخصه‌های آماری مختلف استفاده شد و در سطح یافته‌های مربوط به زمینه‌های پژوهشی، از روش هم‌بستگی پیرسون و آزمون t و آزمون One-Way ANOVA استفاده شد و نتایج حاصل حاکی از آن بود که، بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی در سطح $p < 0/001$ رابطه معنی‌داری وجود نداشت. بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت‌مندی زناشویی در سطح $p > 0/014$ رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت و بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و رضایت‌مندی زناشویی در سطح $p > 0/001$ رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: سبک دل‌بستگی ایمن، سبک دل‌بستگی اجتنابی، سبک دل‌بستگی دوسوگرا، رضایت‌مندی زناشویی

مقدمه

در میان موجوداتی که روی کره زمین زندگی می‌کنند، انسان از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. این ویژگی‌ها، او را از سایر موجودات روی کره زمین جدا می‌سازد. احساسات، عواطف، هیجان و توانایی قضاوت درباره رفتارهای خود و دیگران و تصمیم‌گیری براساس این قضاوت‌ها، تنها بخشی از این ویژگی‌های خدادادی‌ست که باعث سنگین شدن مسئولیت انسان شده است. انسان موجودی اجتماعی است و نیاز به پیوستگی، یکی از نیازهای مهم است که او را به سمت ارتباط با دیگران سوق می‌دهد. فرآیند ارضای نیازهای گوناگون و متعدد زیستی، روانی، عاطفی و اجتماعی؛ موجب تمایل به برداشتن اولین گام‌های زندگی اجتماعی در انسان گردید. یعنی زندگی در کنار و همراه با جنس مخالف، به صحنه آوردن پیشینه تمایل به جنس مخالف، مؤید آن است که انسان از ابتدا علاوه بر ارضای نیازهای فیزیولوژیایی، به دنبال ارضای نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی خود بوده است (Rabehiyan & Kakabarayi, 2016). اساس تشکیل خانواده، ازدواج دو بزرگسال با جنسیت‌های مخالف است. اولین وظیفه این دو، سازگاری و تطابق با یکدیگر است. همانندی و تشابهات زن و شوهر آنها را به زندگی مشترکی برانگیخته است. با وجود این، طبق نظر (Minuchin, 1970) آنها دو شخصیت متفاوت و منحصربه‌فرد هستند که خلق و خو^۱، عواطف^۲، انگیزه‌ها^۳ و ارزش‌های ویژه‌ای دارند. زن و شوهر باید برای سازگاری بیشتر، بخشی از ترجیحات و عقاید شخصی خود را به مرور زمان کنار گذاشته و هر طرف، بخشی از حقوق مستقل دیگری را بپذیرد (Bakhtiyari et al., 2019). ازدواج مهم‌ترین و بنیادی‌ترین رابطه انسانی است (Park, 2016). ازدواج را می‌توان یکی از مراحل سه گانه زندگی (تولد، ازدواج، مرگ) به حساب آورد (Aramideh & Rezakhani, 2019). ازدواج نهادی همگانی است؛ به‌طوری‌که همه‌ی فرهنگ‌ها، نژادها، گروه‌های قومی یا مذهبی را شامل می‌شود و هم ارادی و هم قانونی است. از این رو، جایگاه خانواده و نداشتن مشکلات در زندگی زناشویی، برای داشتن کانون امن، تا آنجا اهمیت دارد که برخلاف تمام شکست‌ها و طلاق‌هایی که در جامعه دیده می‌شود، آرزوی داشتن زندگی سالم و خانواده‌ای آرام، پیش‌فرض فکری همه‌ی جوانان قبل از تشکیل خانواده است و آن دغدغه‌های ذهنی، فرآیندی است که آینده‌ای آرام را در سیستم فکری جوانان جست‌وجو می‌کند (Bernard, 2010, quoted by Amani, 2016). تمام افرادی که ازدواج می‌کنند، قبل از شروع زندگی زناشویی به تحقق زندگی مشترک موفق و بادوام امیدوارند (Honarparvaran, 2019). وقتی از ازدواج صحبت می‌شود، موضوعاتی مثل رضایت‌مندی زناشویی و رابطه آن با سایر عوامل به ذهن می‌رسد، بنابراین یکی از مواردی که در بحث خانواده و ازدواج مهم به نظر می‌رسد و در شکل‌دهی روابط صمیمانه که با سلامت جسمانی و هیجانی ارتباط دارد، سبک دل‌بستگی زوجین است (Aramideh & Rezakhani, 2019).

سبک دل‌بستگی یکی از عوامل شخصی است که بر هم‌سازی و ناهم‌سازی زناشویی^۴ تأثیر می‌گذارد. همچنین شواهد فراوانی گویای آن است که زوجها در جامعه امروزی برای برقراری ارتباط صمیمی و حفظ آن و درک احساسات از جانب همسران‌شان، با مشکلات فراوانی درگیرند. در حقیقت این معضل سبب پریشانی در روابط زناشویی شده است. دل‌بستگی یعنی مأمنی از آسایش، امنیتی برای کاوش و جستجوکردن و منبعی برای اطمینان بخشی به کودک، زمانی که دچار پریشانی می‌شود. براساس نظریه‌ی دل‌بستگی که توسط بالبی ارائه شده، تجارب اولیه‌ای که فرد در رابطه با والدین خود کسب می‌کند، به ایجاد الگوهای فعال درونی منجر می‌شود که خود بر نگرش‌ها و انتظارات از روابط بعدی تأثیر دارد (Aramideh & Rezakhani, 2019). دل‌بستگی^۵، رابطه عاطفی پایداری است که ویژگی

1. mood
2. emotion
3. motivation
4. marital harmony and disharmony
5. attachment

آن گرایش به جستجو و حفظ مجاورت با شخص خاص به‌ویژه در شرایط استرس‌زاست. جان بالبی معتقد بود که افراد، دارای تمایل برای ایجاد و حفظ پیوندهای عاطفی قوی با اشخاص ویژه‌ای هستند. اما دل‌بستگی فقط نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در گستره حیات نیز می‌باشد. پیوندهای هیجانی - ارتباطی پیشین مانند: نیاز به امنیت، اعتماد، حمایت و آرامش که با رشد مفهوم خود در دوره کودکی شکل می‌گیرد، اثرات بلندمدتی در کیفیت روابط بزرگ‌سالی دارد (Niknam, 2019). دل‌بستگی پیوند یا گره‌های هیجانی پایدار بین دو فرد است به‌طوری که یکی از طرفین کوشش می‌کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دل‌بستگی را حفظ نموده تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد (Motaghiyan & Abdizarin, 2019). تئوری دل‌بستگی بیان می‌کند که کودکان توضیح می‌دهند یک پیوند نزدیک، بادوام و وابسته با مراقب اولیه در شروع لحظات اولیه زندگی ایجاد می‌کنند (Gheysari & Amanollahi, 2017). به اعتقاد بولبی^۱ (۱۹۸۰) رفتارهای دل‌بستگی ذاتی بوده و بقاء نوع را موجب می‌گردند؛ زیرا آنها سازگاری با محیط را ممکن می‌سازند. چهره‌های دل‌بستگی به کودک اجازه می‌دهند تا از یک پایگاه امن، به کشف و جستجو پردازد، در زمان مواجهه با تهدیدها، امنیت کودک را تأمین می‌کنند و به او اجازه می‌دهند تا تنظیم سطوح استرس خود را یاد بگیرد. تصور می‌شود که رفتارهای دل‌بستگی نوعی از رفتار هستند که منجر به کسب یا حفظ نزدیکی به دیگران متمایز و ترجیحی فرد می‌شوند. رفتارهای دل‌بستگی در بقای فرد از طریق نگه داشتن او در تماس با مراقبان سهیم بوده و از این طریق ریسک آسیب را کاهش می‌دهند (Shahovisi et al., 2019). سبک‌های دل‌بستگی نتیجه تجارب اولیه با مادر یا مراقب اولیه در رابطه با درجه و میزان گرمی، مسئولیت، اعتبار و مشارکت و تأثیر بعدی آن بر احساس امنیت فرد در روابط آتی است. سبک‌های دل‌بستگی براساس عقاید مثبت و منفی در مورد امنیت با صمیمیت نسبت به خود و دیگران است (Ainsworth, 1989) با گسترش نظریه بالبی، سبک‌های دل‌بستگی را به سه دسته‌ی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا تقسیم کرد. وی معتقد بود کودکان ایمن از والدین به‌عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف محیط استفاده می‌کنند و در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کنند و تجسمی مثبت، حمایتگر و پاسخ‌دهنده از مادر خود دارند (Foroozesh et al., 2019). سبک دل‌بستگی ایمن، نشانگر نوزادانی است که در کنار والد خود فعالانه به کشف و کنجکاوی در محیط می‌پردازند. این کودکان در مدت کوتاهی که مادر از آنها جداست، توانایی کنارآمدن با استرس و اضطراب را دارند. والد برای این نوزادان پایگاه امنی است و اطمینان دارند مراقب آنها در دسترس خواهد بود و به نیازهای آنها پاسخ می‌دهد (Seligman, 2017). دل‌بستگی ناایمن، عدم اعتماد در روابط با دیگران و احساس بی‌ارزشی در دریافت عشق از جانب دیگران است، که همگی تحت تأثیر روابط با بزرگ‌سالان مشخص می‌شود. اعتقاد بر این است که الگوهای دل‌بستگی شکل گرفته در کودکی در طول زندگی پایدار هستند، اگرچه تجارب روابط مختلف (مثبت یا منفی) در بزرگ‌سالی ممکن است این بازنمایی‌ها را تغییر دهد. بزرگ‌سالان مانند کودکان، در هنگام تنش و نیاز به راحتی به شریکان نزدیک خود روی می‌آورند و یک شریک عشقی و یا همسر، اغلب یک نماد دل‌بستگی اولیه می‌شود. اما برخلاف رابطه نوزاد- والد که در آن فراهم آوردن مراقبت یک‌طرفه است، یک رابطه دوطرفه بزرگ‌سالی بیشتر دوجانبه است، که در آن هر دو طرف برای کسب راحتی و امنیت در زمان‌های استرس به هم روی می‌آورند و در هنگام نیاز به حمایت و راحتی برای هم فراهم می‌کنند. بنابراین، افکار، احساس‌ها و رفتار در روابط دو طرف به وسیله دل‌بستگی طرف مقابل و رفتار مراقبتی او تنظیم می‌شود. دل‌بستگی ناایمن در بزرگ‌سالی، به وسیله دو بعد مشخص می‌گردد. دل‌بستگی اضطرابی با ترس از ترک‌شدن، احساس عدم ارزش کافی برای همسر یا طرف مقابل در ارتباط است. کودکان دوسوگرا در موقعیت ناآشنا مشکل‌تر می‌توانند به احساس آرامش و آسایش دست یابند. این کودکان به راحتی نمی‌توانند به اکتشاف در محیط پردازند و به لحاظ خلق

در برابر تنیدگی‌ها، آسیب‌پذیرترند (Foroozesh et al., 2019). کودکان ناایمن اجتنابی در برابر افراد ناآشنا منقلب نمی‌شوند و احتیاط اندکی نشان می‌دهند و در عواطف خود نسبت به مادر نیز، بی‌تفاوت‌اند و به نظر می‌رسد اهمیت روابط دل‌بستگی با مادر را انکار می‌کنند. در سبک دل‌بستگی اجتنابی مدل خود، مثبت و مدل دیگران، منفی است و بیانگر کودک‌دانی است که بین والد خود و یک فرد غریبه هیچ ترجیحی قائل نمی‌شوند. بیشتر اوقات مادر را نادیده گرفته و از او فاصله می‌گیرند. به نظر می‌رسد این کودکان نیاز به محبت را نادیده می‌گیرند (Bardi & Nickmal, 2016). در دل‌بستگی گسسته افرادی که به دلیل انتظارات بدبینانه خود از صمیمیت با دیگران دوری می‌جویند. این گونه افراد کیفیت بالایی از ارزش‌گذاری برای خود را دارند. عقاید مثبت در مورد خود و عقاید منفی در مورد دیگران، نشان‌دهنده‌ی مدل عدم دل‌بستگی است. این افراد احساس می‌کنند که آنها ارزش دوست داشتن را ندارند و دیگران آنها را نخواهند پذیرفت (Gheysari & Amanollahi, 2017). چهارمین نوع سبک دل‌بستگی سازمان‌یافته^۱ است. در این سبک، مدل خود و دیگران منفی است و در مقایسه با سایر سبک‌های ناایمن، از سازمان‌یافتگی و ثبات کمتری برخوردار است. کودکان برخوردار از این نوع سبک، برای کنترل احساسات منفی از قیبال اضطراب جدایی^۲، روش منظمی را در پیش نمی‌گیرند (Bakhtiyari et al., 2019). در کل افراد با دل‌بستگی ایمن، سطح بالاتری از اعتماد و رضایت و سطح پایین‌تری از تعارضات را دارند، درحالی‌که افراد با دل‌بستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بیشتر و افراد با دل‌بستگی اجتنابی با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند (Khanafareh, 2019).

رضایت‌مندی زناشویی در اصل بخشی از رضایت از زندگی است. رضایت زناشویی، احساس عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن یا شوهر است. رضایت زناشویی یک متغیر نگرشی است؛ بنابراین، یک خصوصیت فردی برای زن و شوهر محسوب می‌شود. طبق تعریف مذکور رضایت زناشویی در واقع نگرشی مثبت و لذت‌بخش است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (Parooyi et al., 2019). رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم قابل‌سنجش است و می‌تواند بر سلامت خانواده و از طرفی بر رشد و شکوفایی استعدادها، تکوین شخصیت، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی اعضای خانواده تأثیرگذار باشد (Bakhtiyari et al., 2019). رضایت زناشویی به منزله یک ارزیابی کلی و ذهنی افراد از کیفیت ازدواج‌شان (Crowl, 2018) و یک تجربه شخصی در ازدواج است که در اثر عوامل مختلفی در زندگی زناشویی ایجاد می‌شود و این احساس، تأثیر فراوانی در سلامت روانی زن و مرد (Zaooying, 2017) و کارکرد بهنجار خانواده دارد (Jiang, 2015) است. کاهش تدریجی رضایت‌مندی زوجین، ابتدا موجب گسست روانی-عاطفی و اجتماعی^۳ و سپس جدایی و آسیب‌های اجتماعی^۴ چون طلاق می‌شود (Packhesal, 2019) و ازدواج‌هایی که همراه با رضایت زناشویی پایینی هستند، می‌توانند به لحاظ هیجانی و جسمی، تنش‌زا و برای فرد ناسالم باشند (Aramideh et al., 2019). رضایت زناشویی سازه‌ای چندبعدی و متشکل از ابعاد مختلف است و از طریق ارزیابی تعاملات جاری بین زوجین مانند علاقه متقابل، مراقبت از هم، پذیرش یکدیگر، تفاهم و هماهنگی زوج در انجام امور چون گذراندن اوقات فراغت، تقسیم کار، رابطه جنسی، ابراز احساسات و کیفیت ارتباط قابل‌سنجش است (Haroy, 2019). رضایت زناشویی، میزان علاقه‌مندی زوج‌ها به یکدیگر و نگرش مثبت به متأهل‌بودن است که با عواملی از جمله تحریف آرمانی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت،

1. unorganized

2. separation anxiety

3. emotional and social psychological rupture

4. social harm

رابطه جنسی، فرزندان، دوستان و جهت‌گیری مذهبی وابسته است. رضایت‌مندی زناشویی را می‌توان نتیجه خرسندی عمومی از زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی و رضایت‌مندی عاطفی و هیجانی دانست. زوج‌هایی که انعطاف‌پذیری^۱، سازگاری^۲ و هم‌بستگی^۳ بیشتری دارند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بوده و بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های هم‌سویی در اوقات فراغت، هم‌گرایی در مسائل مربوط به فرزندان، ازدواج و دوستان هم‌بستگی مثبت وجود دارد. رابطه زناشویی موفق با شادمانی و خلق مثبت در فرد مرتبط است. مؤلفه‌های عزت‌نفس و خلق مثبت شادکامی توانسته سهم زیادی در تبیین رضایت زناشویی و کاهش دل‌زدگی داشته باشد. همچنین افزایش مهارت‌های ارتباطی و خلق مثبت شادی در بین زوج آن میزان دل‌زدگی زناشویی کاهش نشان می‌دهد. شواهد پژوهشی حاکی از آن است افرادی که از زندگی‌شان رضایت دارند و هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند، دارای سطح بالایی از شادکامی می‌باشند (Heydari & Saedi, 2020). رضایت زناشویی در خانواده مهم‌ترین رکن سلامت روانی^۴ افراد خانواده بوده و عبارت است از منطبق بودن رفتارهای اجتماعی زناشویی زوجین با یکدیگر و وجود تعادل منطقی بین نیازهای مادی و معنوی زوجین (Zeynali & Madahhi, 2018).

در تحقیقی تحت‌عنوان رابطه سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری بخشش و هم‌دلی، به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دل‌بستگی علاوه بر اثر مستقیم بر رضایت زناشویی به‌طور غیرمستقیم و از طریق نقش میانجی‌گری عامل بخشش و هم‌دلی بر رضایت زناشویی اثر دارد (Ahmadi & Fatemi, 2018). همچنین در تحقیقی تحت‌عنوان الگوی ساختاری رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری هیجانی، این نتیجه را داشت که رابطه‌ای بین سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری هیجانی بر رضایت زناشویی زنان متأهل وجود دارد (Saboonchi et al., 2020). در تحقیقی تحت عنوان پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی پرستاران براساس سبک‌های دل‌بستگی، مکانیزم‌های دفاعی و کیفیت زندگی، به این نتیجه رسیدند رضایت‌مندی زناشویی مقوله است چندبعدی و وابسته به عواملی چون کیفیت زندگی، سطح پختگی مکانیسم دفاعی و سبک‌های دل‌بستگی می‌باشد و این عوامل بر روابط بین فردی زوجین در بزرگ‌سالی تأثیر مستقیم می‌گذارد (Parooyi et al., 2019). کوهن و همکاران^۵ (۱۹۶۰) نیز نشان دادند که افراد با دل‌بستگی ایمن، واکنش‌های عاطفی مثبت با فراوانی بیشتری نسبت به رویدادهای مثبت زندگی دارند و میزان رضایت زناشویی بیشتر را تجربه می‌کنند (Mondur, 1978). در پژوهش ارتباط بین سبک دل‌بستگی و تنظیم عواطف در روابط عاشقانه را بررسی کردند، به این نکته دست یافتند که آزمودنی‌های ایمن، هیجان و عواطف و مثبتی را نسبت به آزمودنی‌های اجتنابی و دوسوگرا در روابط بین فردی خود تجربه کرده و ارتباطات با کیفیت‌تری داشته‌اند. این عاطفه مثبت که پیامدی از سبک دل‌بستگی ایمن می‌باشد و در ارتباط با رضایت‌مندی زناشویی، موجب نگهداری و بالابردن سطح کیفی آن می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که روابط اولیه افراد در محیط خانواده منجر به شکل‌گیری سبک دل‌بستگی خاص می‌شود و الگوهای ارتباطی مبتنی بر سبک دل‌بستگی ایمن موجب افزایش رضایت زناشویی، پایداری، تعهد و اطمینان می‌گردد. بررسی پژوهش باتزر و کمپل^۶ (۲۰۰۸) حاکی از این بود که بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت-معنی‌دار و بین سبک‌های دل‌بستگی دوسوگرا و اجتنابی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌دار

1. flexibility
1. adaptability
2. correlation
3. mental health
4. sympathy
5. Kohn et al.
6. Batzer & Kampel

وجود دارد. مطالعات بلوو و همکاران^۱ (۲۰۱۷) نشان‌دهنده این امر است که بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری دارد. برژیتا و همکاران^۲ (۲۰۱۲) دریافتند که بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار و بین سبک‌های دل‌بستگی دوسوگرا و اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. در تحقیقی تحت‌عنوان الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و جهت‌گیری زندگی در زنان متأهل: با نقش واسطه‌ای هیجان‌خواهی، به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های دل‌بستگی و ابعاد تلقی خوش‌بینانه و تلقی بدبینانه بر رضایت زناشویی زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد (Sabounchi et al., 2020).

روش

پژوهش حال حاضر از لحاظ روش، هم‌بستگی بود که مطالب توصیفی مورد نیاز از طریق کتابخانه‌های دیجیتال، مقالات مرتبط و پایان‌نامه‌های مرتبط به‌دست آمده است و مطالب تحلیلی به‌صورت آنلاین ابتدا پرسش‌نامه سبک دل‌بستگی هازن و شیور و پرسش‌نامه رضایت زناشویی DAS با هم به ۱۶۰ نفر نمونه ارائه شد و به دلیل مجازی بودن شرایط پرسش‌نامه، پرسش‌نامه ناقص نداشتیم. آزمون‌ها ارزیابی شدند. داده‌های آماری از پرسش‌نامه استخراج شد و رضایت زناشویی افراد تعیین شد و بعد از تعیین سبک‌های دل‌بستگی از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی و با استفاده از جدول SPSS به تحلیل و استنباط داده‌ها پرداخته شد. جامعه آماری در این پژوهش شامل دانشجویان دختر متأهل دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد شیراز می‌باشد که براساس اطلاعات به‌دست آمده از نهاد دانشگاه تعداد کل آنها ۱۹۲ نفر است که در این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تعداد ۱۶۰ نفر از طریق جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزارها

در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسش‌نامه زیر استفاده شد: پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی: برای گردآوری اطلاعات فردی و جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در پژوهش، پرسش‌نامه‌ای طراحی گردید که در آن سن، جنس، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات مشخص می‌گردید. مقیاس دل‌بستگی (Hazan & Shavor, 1987): مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سالان، چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه‌ی صمیمانه‌ی وی را مورد بررسی قرار می‌دهد، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود را با هریک از عبارات زیر بیان می‌کنند. این پرسش‌نامه دارای سه زیرمقیاس وابستگی؛ که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد، زیرمقیاس نزدیکی؛ که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد و زیرمقیاس اضطراب؛ که میزان نگرانی فرد از طردشدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به هریک از زیرمقیاس‌ها، ۶ عبارت اختصاص یافته است. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هریک از سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۶۸٪، ۷۱٪، ۵۲٪ گزارش شده است. کولینز و رید^۳ (۱۹۹۰) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک‌بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله‌ی زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰.۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به‌دست آمده بالا است. در ایران نیز میزان قابلیت

1. Blow et al.

2. Berzhita et al.

3. Koolinz & Rid

اعتماد با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد به صورت هم‌بستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی، نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسش‌نامه با فاصله‌ی زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها (A) (D) (C) در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۹۵٪ قابل اعتماد است، اما با توجه به هم‌بستگی بین نتایج دو اجرا، زیرمقیاس A قابل اعتمادترین ($r = ۰.۷۵$) است و در درجه‌بندی زیرمقیاس C قابل اعتماد است ($r = ۰.۵۷$) و D کم‌ترین میزان قابلیت اعتماد را در بین این سه زیرمقیاس دارا بوده است ($r = ۰.۴۷$). از سوی دیگر با محاسبه‌ی آلفای کرونباخ مشخص شد که زیرمقیاس اضطراب (A) بیشترین قابلیت اعتماد ($r = ۰.۷۴$) و وابستگی (D) کم‌ترین قابلیت اعتماد ($r = ۰.۲۸$) را دارد و قابلیت اعتماد زیرمقیاس نزدیک بودن در حد متوسط ($r = ۰.۵۲$) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بوده است (Koolinz & Rid, 1990).

پرسش‌نامه رضایت زناشویی (DAS, 1976): به منظور جمع‌آوری اطلاعات در زمینه سازگاری زناشویی از پرسش‌نامه DAS استفاده شده است. این آزمون ۳۲ سؤال دارد و نمره آن هم از ۰ تا ۱۵۱ است. بدترین نمره ۰ و بهترین نمره ۱۵۱ است. نمره ۱۱۰ تا ۱۵۱ رابطه رضایت‌مندانه را نشان می‌دهد. اما نمره زیر ۱۱۰ قابل توجه و نگران‌کننده است. این آزمون در مورد ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر یا هر دو نفری که با هم زندگی می‌کنند می‌باشد. این ابزار برای چند هدف ساخته شده است می‌توان با به دست آوردن کل نمرات از این ابزار برای اندازه‌گیری رضایت کلی در روابط استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد این مقیاس ۴ بعد رابطه را می‌سنجد. این ۴ بعد از این قرار است:

۱- رضایت زناشویی ۲- هم‌بستگی زناشویی ۳- توافق زناشویی ۴- ابراز محبت

نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰.۹۶ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. هم‌سانی درونی بین خرده‌مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دو نفری ۰/۹۴، هم‌بستگی دو نفری ۰/۸۱، توافق دو نفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۷۳ است. روایی این مقیاس ابتدا با روش‌های منطقی روایی چک شد. این مقیاس از روایی هم‌زمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس ۱ هم‌بستگی دارد و به منظور تفسیر نمره‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

روش تحلیل

در این پژوهش به منظور تنظیم و طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، حداقل، حداکثر، میانگین، انحراف معیار و...) و آمار استنباطی مشتمل بر ضریب هم‌بستگی، آزمون t و One-Way ANOVA برای پیش‌بینی رضایت‌مندی استفاده می‌شود.

یافته‌ها

ابتدا خلاصه‌ای از آمار توصیفی (جدول ۱) افراد نمونه شرکت‌کننده در پژوهش به قرار زیر است: تعداد افراد نمونه در این پژوهش ۱۶۰ نفر که (همگی زن)، (همگی متأهل)، بیشترین فراوانی را افراد ۳۰ تا ۳۵ سال با تحصیلات لیسانس و کم‌ترین فراوانی را افراد ۴۵ تا ۵۰ سال با تحصیلات فوق‌دیپلم و دکتری و مقاطع بالاتر داشتند.

جدول ۱. توزیع فراوانی سن و تحصیلات نمونه

تحصیلات آزمودنی	تعداد آزمودنی	سن آزمودنی	تعداد آزمودنی
دیپلم	۳۱	۲۰-۲۵	۲۳
فوق دیپلم	۱۲	۲۵-۳۰	۳۸
لیسانس	۷۵	۳۰-۳۵	۴۷
فوق لیسانس	۳۰	۳۵-۴۰	۲۵
دکتری و مقاطع بالاتر	۱۲	۴۰-۴۵	۱۵
		۴۵-۵۰	۱۲

جدول ۲. شاخص‌های مربوط به رضایت‌مندی زناشویی

متغیرها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
رضایت کلی	۱۶۰	۳	۷۰	۱/۱۰	۱۱/۲۲
خرده‌مقیاس رضایت زناشویی	۱۶۰	۷	۵۰	۳۱/۶۷	۵/۸۹
خرده‌مقیاس هم‌بستگی	۱۶۰	۳	۵۹	۱۰/۸۹	۳/۴۹
خرده‌مقیاس توافق	۱۶۰	۴	۶۲	۴۰/۹۰	۸/۷
خرده‌مقیاس ابراز محبت	۱۶۰	۴	۲۰	۹/۱۳	۲/۹۰

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تعداد زوجها ۱۶۰ نفر می‌باشد. حداقل رضایت کلی ۳ می‌باشد یعنی کم‌ترین نمره کسب‌شده در رضایت کلی ۳ است. حداکثر رضایت کلی ۷۰ می‌باشد. یعنی بیشترین نمره کسب‌شده در رضایت کلی ۷۰ می‌باشد. میانگین رضایت کلی ۱/۱۰ و انحراف معیار آن ۱۱/۲۲ می‌باشد. حداقل خرده‌مقیاس رضایت زناشویی ۷ و حداکثر آن ۵۰ می‌باشد. یعنی کم‌ترین نمره کسب‌شده در این خرده‌مقیاس ۷ و بیشترین نمره کسب‌شده ۵۰ می‌باشد. میانگین ۳۱/۶۷ و انحراف معیار آن ۵/۸۹ می‌باشد. حداقل خرده‌مقیاس هم‌بستگی ۳ و حداکثر آن ۵۹ می‌باشد. میانگین ۱۰/۸۹ و انحراف معیار آن ۳/۴۹ می‌باشد. حداقل خرده‌مقیاس توافق ۴ و حداکثر آن ۶۲ می‌باشد. میانگین ۴۰/۹۰ و انحراف معیار آن ۸/۷ می‌باشد. حداقل خرده‌مقیاس ابراز محبت ۴ و حداکثر آن ۲۰ می‌باشد، یعنی کم‌ترین نمره کسب‌شده ۴ و بیشترین نمره کسب‌شده ۲۰ می‌باشد. میانگین ۹/۱۳ و انحراف معیار ۲/۹۰ می‌باشد.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی مربوط به سبک‌های دل‌بستگی

متغیرها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سبک ایمن	۱۶۰	۱	۹	۵/۴۰	۲/۵۱
سبک اجتنابی	۱۶۰	۱	۹	۳/۵۵	۲/۶۱
سبک دوسوگرا	۱۶۰	۱	۹	۲/۶۵	۲/۱۶

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که تعداد افراد ۱۶۰ نفر است. حداقل سبک دل‌بستگی ایمن ۱ و حداکثر آن ۹ می‌باشد یعنی کم‌ترین نمره کسب‌شده در این سبک ۱ و بیشترین نمره کسب‌شده ۹ می‌باشد. میانگین ۵/۴۰ و انحراف معیار ۲/۵۱ می‌باشد. حداقل سبک دل‌بستگی اجتنابی ۱ و حداکثر آن ۹ می‌باشد یعنی کم‌ترین نمره به‌دست‌آمده در این سبک ۱ و بیشترین نمره به‌دست‌آمده ۹ می‌باشد. میانگین ۳/۵۵

و انحراف معیار ۲/۶۱ می‌باشد. حداقل سبک دل‌بستگی دوسوگرا ۱ و حداکثر آن ۹ می‌باشد، یعنی کم‌ترین نمره کسب‌شده در این سبک ۱ و بیشترین نمره کسب‌شده ۹ می‌باشد. میانگین ۲/۶۵ و انحراف معیار ۲/۱۶ می‌باشد. چون سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی، دو متغیر با مقیاس فاصله‌ای هستند بنابراین برای مشخص کردن میزان ارتباط بین آنها باید از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شود.

جدول ۴. رابطه هم‌بستگی پیرسون بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی

مقدار ضریب هم‌بستگی	تعداد	سطح معناداری
۰/۰۲۵	۱۶۰	۰/۷۲۱

با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود که بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی با تعداد ۱۶۰ نفر و با مقدار ضریب هم‌بستگی ۰/۰۲۵ و با توجه به سطح معنی‌داری $p > ۰/۷۲۱$ رابطه معنی‌داری وجود ندارد یعنی افزایش یا کاهش سبک دل‌بستگی ایمن، متغیر رضایت‌مندی زناشویی تغییر قابل توجهی پیدا نمی‌کند. چون سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت‌مندی زناشویی، دو متغیر با مقیاس فاصله‌ای هستند پس برای مشخص کردن میزان ارتباط بین آنها باید از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شود.

جدول ۵. رابطه هم‌بستگی پیرسون بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت‌مندی زناشویی

مقدار ضریب هم‌بستگی	تعداد	سطح معناداری
-۰/۱۷۰	۱۶۰	۰/۰۱۴

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌شود که بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت‌مندی زناشویی با تعداد ۱۶۰ نفر و با مقدار ضریب هم‌بستگی -۰/۱۷۰ و با توجه به سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۱۴$ رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود دارد، یعنی با افزایش متغیر سبک دل‌بستگی اجتنابی، متغیر رضایت‌مندی زناشویی کاهش پیدا می‌کند و بالعکس. چون سبک دل‌بستگی دوسوگرا و رضایت‌مندی زناشویی، دو متغیر با مقیاس فاصله‌ای هستند پس برای مشخص کردن میزان ارتباط بین آنها باید از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شود.

جدول ۶. رابطه هم‌بستگی پیرسون بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و رضایت‌مندی زناشویی

مقدار ضریب هم‌بستگی	تعداد	سطح معناداری
-۰/۲۳۳	۱۶۰	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۶ مشاهده می‌شود که بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و رضایت‌مندی زناشویی با تعداد ۱۶۰ نفر و با مقدار ضریب هم‌بستگی -۰/۲۳۳ و با توجه به سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ رابطه منفی (معکوس) معنی‌داری وجود دارد یعنی با افزایش متغیر سبک دل‌بستگی دوسوگرا، متغیر رضایت‌مندی زناشویی کاهش پیدا می‌کند و بالعکس.

نتیجه

در این پژوهش فرضیه اول ما عبارت بود از: «بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی رابطه وجود دارد.» با نگاهی به جدول ۳ و نتایج به‌دست آمده، این فرضیه رد می‌شود.

نتیجه تحقیق صابونچی و همکاران^۱ (۲۰۲۰) که در مورد «الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و جهت‌گیری زندگی در زنان متأهل با نقش واسطه‌ای هیجان‌خواهی» اجرا شده بود هم‌خوانی ندارد. صابونچی و همکاران نتیجه گرفته بودند که بین سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. علت رد فرضیه ما این است که آزمودنی‌ها به درستی و با دقت به سؤالات پاسخ نداده‌اند و تعداد نمونه ما کوچک بوده است، چرا که در تحقیق صابونچی تعداد نمونه ۲۵۰ نفر بوده است.

پژوهشی که توسط سیمپسون^۲ (۲۰۱۲) تحت عنوان «اثرات سبک‌های دل‌بستگی بر تفاهم و رضایت‌مندی زناشویی» انجام شده بود، نشان می‌دهد که سبک دل‌بستگی ایمن با احترام، تأهل و تفاهم و رضایت‌مندی زناشویی بیشتری در ارتباط است که با نتیجه پژوهش حاضر هم‌خوانی ندارد. علت رد فرضیه ما این می‌باشد که در پژوهش سیمپسون تحقیق به صورت طولی اجرا شده است که در پژوهش ما چنین نبوده است.

نتیجه تحقیق صیادپور^۳ (۲۰۱۵) با موضوع «شیوه‌های دل‌بستگی و رضایت از ازدواج» بیان می‌کند که شیوه‌های دل‌بستگی ایمن با رضایت از ازدواج هم‌بستگی معناداری ندارد که با نتیجه تحقیق ما هم‌خوانی دارد. علت آن است که اندازه نمونه تحقیق صیادپور فقط مقدار کمی از اندازه نمونه تحقیق ما بیشتر است و جامعه آماری پژوهش صیادپور، مانند جامعه آماری این پژوهش، فضایی آکادمیک می‌باشد.

نتیجه تحقیق رابعیان و کاکابرائی^۴ (۲۰۱۶) با موضوع «بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی زوجین» بیان می‌کند که بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت‌مندی زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد که با نتیجه تحقیق ما هم‌خوانی دارد، چرا که جامعه آماری هر دو تحقیق تقریباً برابر و روش نمونه‌گیری یکسانی با تحقیق ما دارد.

«فرضیه دوم»

در این پژوهش فرضیه دوم ما عبارت بود از: «بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت‌مندی زناشویی رابطه منفی معناداری (معکوس) وجود دارد.» با نگاهی به جدول ۴ و نتایج به‌دست آمده، این فرضیه تأیید می‌شود.

نتیجه تحقیق اردکانی و فاطمی^۵ (۲۰۱۹) تحت عنوان «رابطه سبک دل‌بستگی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری بخشش و هم‌دلی» انجام شده بود نشان می‌دهد، که بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد که با نتیجه تحقیق ما هم‌خوانی دارد.

نتیجه تحقیق صابونچی و همکاران (۲۰۲۰) که در مورد «الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و جهت‌گیری زندگی در زنان متأهل با نقش واسطه‌ای هیجان‌خواهی» اجرا شده بود نتیجه گرفتند که بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد که با نتیجه تحقیق ما هم‌خوانی دارد.

پژوهش انجام‌شده توسط لوکاس^۶ (۲۰۱۷) با عنوان «اثرات سبک‌های دل‌بستگی بر تفاهم و رضایت‌مندی زناشویی» نتیجه گرفته بود که سبک دل‌بستگی اجتنابی با احترام، تأهل و تفاهم و رضایت‌مندی کمتری در ارتباط است که با نتیجه پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

1. Saboonchi et al.
2. Simpson
3. Sayadpour
4. Rabehiyan & Kakabaraei
5. Ardakani & Fatemi
6. Lucas

در توجیه یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت، همان‌طور که در این تحقیق ذکر شده است افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی در عواطف خود نسبت به پارتنر یا همسر خود بسیار بی‌تفاوت هستند و او را نادیده می‌گیرند، در واقع این افراد نیاز به محبت را نادیده می‌گیرند و رضایت‌مندی زناشویی که به معنی خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط زن و شوهر است را تجربه نمی‌کنند و تعارضات بیشتر و صمیمیت کمتری را تجربه می‌کنند، بنابراین منطقی است که بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و رضایت‌مندی زناشویی رابطه معنادار (معکوس) وجود داشته باشد.

نتیجه پژوهش حاضر با تحقیق انجام‌شده توسط صیادپور (۲۰۱۵) تحت عنوان «شیوه‌های دل‌بستگی و رضایت از ازدواج» هم‌خوانی ندارد. زیرا صیادپور نتیجه گرفته بود شیوه‌های دل‌بستگی اجتنابی با رضایت از ازدواج هم‌بستگی معناداری ندارد علت اینکه فرضیه پژوهش صیادپور رد شده این است که تعداد نمونه کافی نبوده است.

«فرضیه سوم»

در این پژوهش فرضیه سوم ما این بود که: بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و رضایت‌مندی زناشویی رابطه منفی معناداری (معکوس) وجود دارد. با نگاهی به جدول ۵ و نتایج به‌دست آمده، فرضیه ما تأیید می‌شود.

نتیجه تحقیق صابونچی و همکاران (۲۰۲۰) که در مورد «الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و جهت‌گیری زندگی در زنان متأهل با نقش واسطه‌ای هیجان‌خواهی» اجرا شده بود نتیجه گرفتند که بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد که با نتیجه تحقیق ما هم‌خوانی دارد.

نتیجه پژوهش ما با نتیجه پژوهش انجام‌شده توسط صیادپور (۲۰۱۵) تحت عنوان «شیوه‌های دل‌بستگی و رضایت از ازدواج» هم‌خوانی دارد زیرا صیادپور نتیجه گرفته بود که شیوه‌های دل‌بستگی اضطرابی و دوسوگرا با رضایت از ازدواج رابطه منفی معنادار دارد.

همچنین با نتیجه پژوهش استاکرت و بورسیک^۱ (۲۰۱۶) با عنوان «رابطه باورهای غیرمنطقی جنسیتی، سبک دل‌بستگی بزرگ‌سال و رابطه رضایت‌مندی عاشقانه» هم‌خوانی دارد، زیرا نتیجه پژوهش استاکرت نشان می‌دهد که افراد ناایمن (دوسوگرا-اجتنابی) رابطه منفی معناداری با رضایت‌مندی زناشویی دارند.

در توجیه یافته این پژوهش می‌توان گفت طبق موارد مطرح‌شده در این پژوهش، افراد با سبک دل‌بستگی دوسوگرا، ترس از ترک‌شدن و احساس عدم ارزش به پیش طرف مقابل خود دارند و برای کنترل احساسات منفی خود روش منظمی ندارند و با دور و نزدیک‌شدن مداوم از همسر یا پارتنر خود فضایی امن در رابطه خود ایجاد نمی‌کنند و معقول است که چنین ارتباطی از میزان رضایت‌مندی زناشویی که در واقع احساس علاقه متقابل و مراقبت از همدیگر و تفاهم است کاهش یابد.

منابع

- Ahmadi, Z., & Fatemi N. (2018). The relationship between attachment styles and marital satisfaction mediated by forgiveness and empathy: A model review. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 62(1), 15-25. [In Persian]
- Amani, A. (2003). The effectiveness of group-based cognitive-behavioural therapy on marital satisfaction in women. [Master of science thesis]. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [In Persian]
- Aramideh, R., Rezakhani, S. (2019). Predicting marriage expectation based on attachment styles and personality traits. *Women and Society*, 10(4), 223-244. [In Persian]
- Bakhtiari, E., Hosseini, S., Arefi, M., & Afsharinia, K. (2019). Causal model of extramarital affairs based on attachment styles and early maladaptive schemas: mediating role of marital intimacy and love styles. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 7(2), 245-258.

- Foruzesh, S., Roshan, R., Gholami Fesharaki, M., & Mohsenyazade, M. (2020). aws based on attachment styles, I-In Relationship with Developing model for Emotional Intelligence with intermediation and characteristics Personality Religious commitment. *Clinical Psychology and Personality*, 17(2), 63-76.
- Gheysari, S., & Amanollahi, A. (2017). Predictions of sex based on attachment style and Self-differentiation of married female students. *Consulting Research*, 17(67), 41-60.
- Heydari, N., & Saedi, S. A. R. A. (2020). The effectiveness of positive psychotherapy on marital satisfaction, love-making styles and happiness among couples. *Social Health*, 7(2), 191-200.
- Honarparvaran, N. (2017). Comparing the marital stability and love dimensions among students with traditional and modern marriage. *Quarterly Journal of Women and Society*, 7(spatial), 17-28.
- Khanafereh, N., & Safarzadeh, S. (2019). Prediction of Self-Efficacy of Sexual Activity Based on Attachment Styles, Sexual Satisfaction and Sexual Function in Married Female Nursing Students. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 7(5), 28-35.
- Lucas, R. (2017). Forecasting friendship: How marital quality maternal mood, and attachment security are linked to children's peer relationships. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 28(5-6), 499-514.
- Motaghian, M., & Abdi Zarrin S. (2019). Prediction of neuroticism based on attachment styles and early maladaptive schemas in clients of counselling centers in the city of Qom. *Cognition Journal of Psychology and Psychiatry*, 6(5), 118-128. [In Persian]
- Niknam, M. (2019). The Effectiveness of emotionally-focused couple therapy on the style of attachment and sexual satisfaction of couples. *Journal of Birjand University of Medical Sciences*, 26(3), 213-225.
- Park, S. S. (2016). *The development of the marital attitudes and expectations scale* [Doctoral dissertation]. Colorado State University.
- Parooi, M., Katuli, M. B., Esmaeil, E. K., Rezai, S. A. K., & Rezai, S. V. K. (2018). Prediction of nurses' marital satisfaction based on attachment styles, defensive mechanisms and quality of life. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 6(2), 24-32.
- Rabehiyan, F., & Kakabaraee, K. (2016). *Investigating the relationship between attachment styles and intimacy with marital satisfaction* [Master thesis]. Kermanshah Islamic Azad University. [In Persian]
- Saboonchi, F., Dokaneifard, F., & Behbodi, M. (2020). Structural model of marital satisfaction based on attachment styles and early maladaptive schemas with mediation of sensation seeking. *Quarterly of Applied Psychology*, 14(1), 119-138.
- Sayyadpour, Z. (2015). Methods of attachment and marital satisfaction. *Journal of psychological studies*, 1(3), 25-37. [In Persian]
- Shahovisi, S., Goodarzi, M., & Ezatpour, E. E. D. (2019). A comparison between attachment styles and love styles in couples raised in divorce and normal families. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 6(4), 80-89.
- Simpson, J. A. (2012). Influence of attachment style on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62, 434-440.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, G. S. (2012). *Attachment theory and close relationships*. New York: Guilford Press.
- Stackert, R., Bursik, K. (2016). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 34(8), 1419-1429.
- Zeinali, N., & Maddahi, M. (2018). The effectiveness of schema therapy on the attachment style and marital satisfaction of married women. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, 4(1), 21-35. [In Persian]